

ادوارد مونک از سنین کودکی با مرگ در خانواده نزدیک خود مواجه شده بود. ایول د فیگاردو، مورخ و نویسنده زندگی‌نامه مونک، می‌گوید: مادر مونک زمانی که او پسر بچه‌ای بود، درگذشت. سپس، وقتی که او ۱۴ ساله بود، خواهرش سوفی در سن ۱۵ سالگی فوت کرد. به دلیل بیماری‌های مکرر خودش، مونک در تمام دوران کودکی با ترس از مرگ زندگی می‌کرد. ممکن است مونک هنگام نقاشی این تصویر به خواهرش سوفی فکر کرده باشد. اما این یک نقاشی زندگی‌نامه‌ای نیست. مونک زندگی خود را به این شکل مستند نکرد. بلکه با جستجو در خاطرات و تجربیات شخصی‌اش، به دنبال جهانی شدن بود. او با کاوش در غم و اندوه خود، توانست غم را به‌طور کلی به تصویر بکشد. توجه کنید که چگونه کل تصویر با استفاده از ابزارهای بصری نقاشی شده است که به نوعی آن را به تصویری از سوگواری تبدیل می‌کند. صحنه مملو از غم و اندوه است. غم مادر از دست دادن فرزندش، غم کودک از مرگ قریب‌الوقوعش، و حتی غم و اندوه خود ما. ضربات قلم‌مو که به سمت پایین می‌روند، موج‌های رنگی که به نظر می‌رسد از میان پرده‌ای از اشک‌های خودمان به صحنه نگاه می‌کنیم. در واقع، ما بخشی از صحنه هستیم و اجازه داریم غم و اندوه خود را در آن سرمایه‌گذاری کنیم.